

معضلی بنام " موفقیت "

حمیلا نیسگیلی

درصد بالای قبولی دختران در آزمون سراسری، هرسال شوک جدیدی به دست اندرکاران حکومتی وارد می کند. موفقیت روزافزون دختران در آزمون سراسری، معضلی برای پاسداران حکومت آپارتاید جنسی شده است. حکومتی که در ابتدا تحصیل را برای دختران در بسیاری از رشته ها ممنوع کرده بود راهی جز این نداشت که در دانشگاه هارا بروی آنان بگشاید. بیش از همه به دو دلیل: یک- پرکردن جای زنانی که به جرم گردن نگذاشتن به دیدگاه های ضدزن رژیم، در آغاز بدست گیری قدرت، از صحنه اجتماع کنارزده شده بودند و دو- برای تأمین کادر مجرب جهت اعمال سیستم زنانه مردانه کردن جامعه.

دست اندرکاران حکومت با تعبیه فیلتر گزینش ایدئولوژیک برای دانشگاهها و مدارس عالی، نهایت تلاش خود را بکاربردند تا آن نیرویی به دانش عالی دست یابد که سیاست آپارتایدجنسی آن ها را به زیر سؤال نبرد. اما بنا به جبر تاریخ، گورکنان خود را آموزش دادند. دست اندرکاران حکومتی که در مقابل آمار بالای خودسوزی های دختران سالوسانه هشدارمی دهند و برای رفع معضلات اجتماعی و مقابله با پدیده دختران فراری تشکیل انواع کمیسیونها را تجویز میکنند، در مقابل نیروی دختران جوان، دیگر پرده ریا به کناری نهاده اند و نگرانی خود را از موفقیت های روزافزون دختران در آزمون سراسری پنهان نمی کنند. این تنها خانم کولایی نیست که علیرغم ژست های پیش از انتخاباتی و طرح مقنعه در مقابل چادر، پس از چندماه، به اصطلاح مدرنیته اش ته می کشد و به مجلسیان هشدارمی هد که تعداد دختران تحصیل کرده به طرز نگران کننده ای بالارفته است و باید برای آن چاره ای اندیشید. اکنون دیگر نگرانی از موفقیت روزافزون دختران به صورت ارائه طرح های مشخص برای رفع " معضل " آشکارا بیان می شود. دکتر دارابی، معاون دانشجویی فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی مشهد با اعلام این واقعیت که ۷۲ درصد قبولی های سال جاری این دانشگاه را دختران تشکیل می دهند نگرانی خود را از این موفقیت روزافزون اعلام کرد. وی نگران از رشد احتمالی ۸۰ درصدی برای سال آینده رسماً پیشنهاد داده است که برای زنان در رشته های پزشکی سهمیه بندی ۴۰ درصدی لحاظ شود تا برتری جنس آقایان در دانشگاه و بالطبع در جامعه به زیر سوال برده نشود. دلایل امثال آقای دارابی قابل تأمل است. وی می گوید: " با توجه به اینکه تعداد زیادی از خانم ها پس از تحصیل به دلایل مسائل خانوادگی وارد بازار کار نمی شوند، لذا سرمایه هنگفتی که از طرف دولت صرف تحصیل آنها می شود، بدون نتیجه هزینه می شود. " این مسئول امور دانشجویی، که بیگمان خود نیز از نعمت تحصیلات عالییه باید برخوردار بوده باشد، از خود سؤال نمی کند که کدام مسائل خانوادگی دخترانی را که چنین با انرژی در پی بالا بردن نقش خود در رشد اجتماع به یادگیری تخصص می شتابند، در زمان بردهی زحمات و برخورداری از ثمرات رنج برده شده، چنان از پا می اندازد که با همه آلام دوباره در نقش محتوم زن خانه دار فرو می روند و به کار بی مزد و مواجب خانه چون مادران خود گردن می نهند. کدام مسائل خانوادگی، کدام قوانین نانوشته این نیروهای آزموده را به رهاکردن آموخته های خود می کشاند؟ آقای دارابی که در خودستایی مردانه خود غرق است، پس از ذکر دلایل تر خود می گوید: " دلایل افزایش درصد قبولی دختران به پسران در دانشگاه ها، عدم تضمین شغل آینده برای پسران است."

یعنی آقای دارابی می خواهد بگوید، دختران و زنان جوان را بازارکار بهتری در انتظاراست ولی علیرغم آن این دختران و زنان پس از تحصیلات خانه نشین می شوند؟ با تکیه بر قوانین ضد زن جمهوری اسلامی، چنان تصویر کاذبی از این مردان به خوردشان داده شده که مانع از آن می شود یک معاون امور دانشجویی، تناقض دلایل خود را دریابد.

دختران اقشار معینی از جامعه برای رهایی از مقدرات سیستم آپارتایدجنسی، امکان آن را می یابند تا با دست یازیدن به تحصیلات عالی به دیواره های این قفس تنگ فشار آورند. میانگین پذیرش دختران در آزمون سراسری سال ۸۰، بیش از ۶۸ درصد بوده است.

در دانشگاه صنعتی اصفهان ۷۲٫۶ درصد و در دانشکده فنی دانشگاه تهران ۲۵ درصد قبولشدگان دخترند. و پاسداران سیستم آپارتاید جنسی هراسان از این موفقیت، قوانین ضد زن حاکم بر روابط خانوادگی را کافی نمی بینند و خواهان وضع آییننامه هایی ارتجاعی برای ممانعت از دستیابی دختران و زنان به تحصیلات عالی می شوند.

دستیابی به تحصیلات عالی را باید آگاهانه در جهت در هم شکستن دیوار جدایی جنسی بکارگرفت. دختران و زنانی که علیرغم وجود قوانین ارتجاعی، عزم خود را برای یک حضور اجتماعی جزم کرده اند نمی توانند نسبت به سرنوشت توده عظیم زنان و دخترانی که بعلت عدم دسترسی به امکانات مادی و فرهنگی راه اعتراض به قوانین اجتماعی حاکم را در شعله ور ساختن خود می بینند بی اعتنا بمانند. خاکستر دختران غرب کشور، دختران کهگیلویه، دختران سمنان، که برای فرار از ازدواج های تحمیلی به خودسوزی روی آورده اند نمی تواند در همانجا مدفون بماند. تحصیلات عالی را باید در خدمت براندازی سیستم آپارتایدجنسی بکارگرفت تا بتوان با برانداختن دیوار جدایی جنسی، اجتماعی در خور انسان بوجود آورد. آنچنان که دختر بچه ده ساله برای نجات از ازدواج به فکر خودسوزی نیفتد. رنگ و لعاب زنی به میله های قفس فضای آن را افزایش نمی دهد. باید میله ها را برید!